

نویسنده در مقاله حاضر حقیقت **زهدورزی** در **دنیا و ارتباط** آن با **بهرمندی** از **مواهب دنیوی** را براساس **آیات قرآن تبیین** و **تحلیل** کرده است.

زهد در لغت

زهد در لغت ضد رغبت و حرص به نیایست (لسان العرب ج ۵ ص ۹۷) ولی در اصطلاحات اسلامی به معنای پشت کردن به دنیا و توجه به آخرت و بلکه بریدن و قطع نظر کردن از غیر خدا و روی آوری به خداوند است. البته این معنی در مقام اخیر از بالاترین درجات زهد است (معجم الاعداد ص ۳۳ و التحقيق ج ۴ ص ۳۱۱ ذیل واژه زهد) و در آیه ۵۰ سوره ذاریات از آن به فرار به سوی خداوند تعبیر شده است (فقروا الی الله)

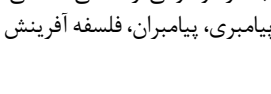
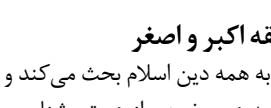
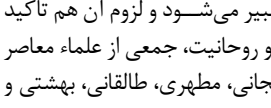
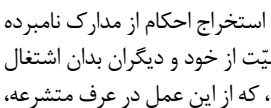
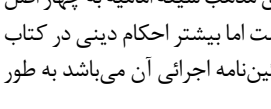
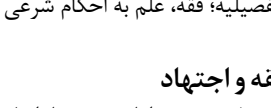
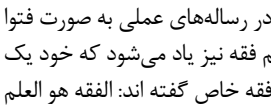
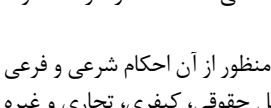
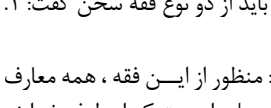
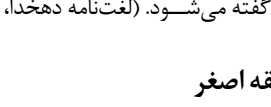
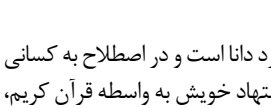
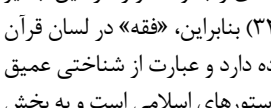
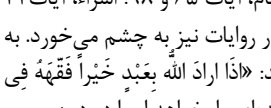
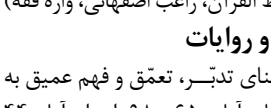
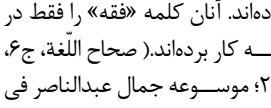
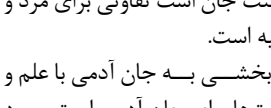
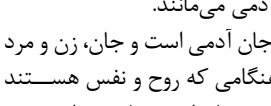
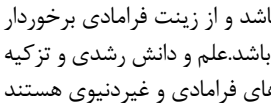
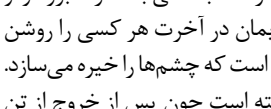
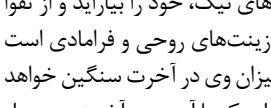
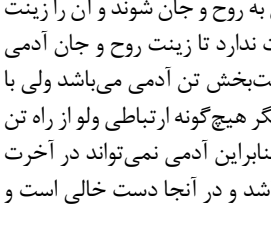
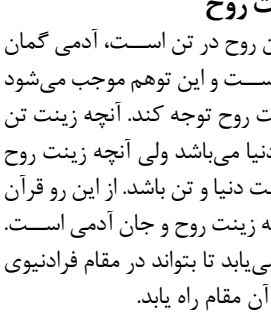
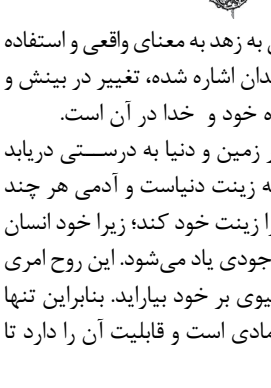
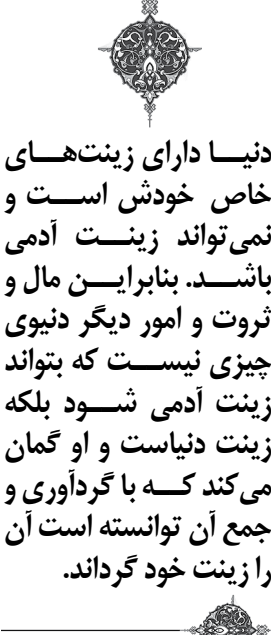
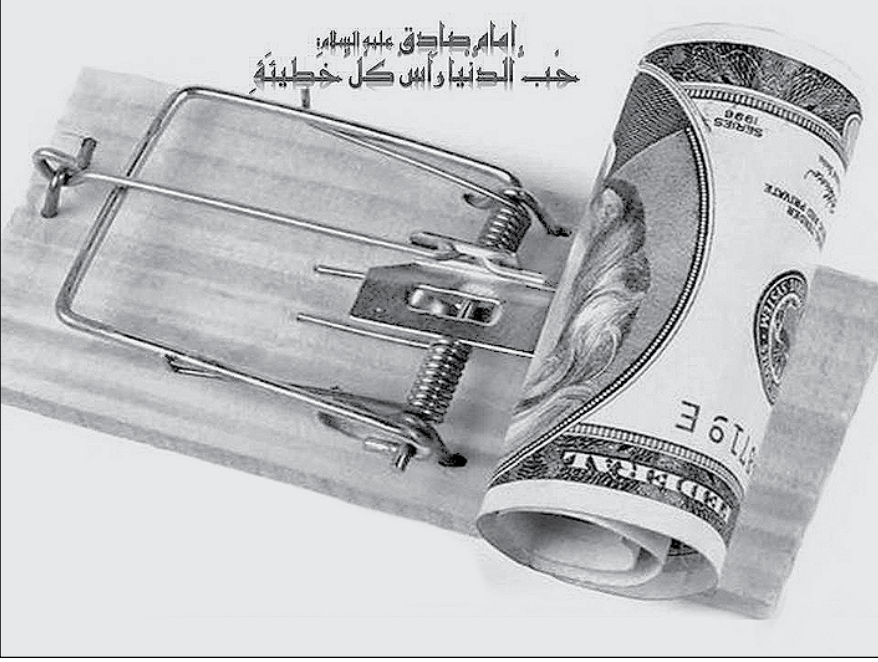
واژه زهد در آیه ۲۰ سوره یوسف به معنای عدم میل و رغبت آمده است.خداوند درباره فروش حضرت یوسف(ع) از سوی کاروانیان می‌فرماید که آنان در فروش او سختگیری نکنند و تمایل و رغبتی نداشتند که وی را به بهای گرانی بفروشند و به شکلی می‌خواستند خود را از پیامدهای فروش او در امان نگه دارند؛ زیرا یوسف(ع) آزاده بود و برده‌ای نبود که بتواند او را در بازار برده‌فروشان بفروشند. خداوند درباره این بازار یابی

خویش را در اختیار مهاجران قرار دادند. تعبیر خداوند درباره این رفتار آن است که مهاجران با آنکه نیاز شدیدی به اموال به دست آمده از جنگ داشتند ولی از نیاز خویش چشم‌پوشی کرده و آن را در اختیار مهاجران قرار دادند. از این رو این شسیوه را ستوده و آنان را اهل فلاح و رستگاری می‌شمارد.

شاید به نظر، این گذشت و خودگذشتگی ساده نباشد؛ ولی اگر به مسئله خوب توجه شود معنا و مفهوم این ایثار و گذشت به خوبی روشن می‌شود. انصار با حضور در جبهه جنگ و جهاد و در معرض کشته شدن توانستند به پیروزی دست یافته و اموالی را به دست آورند. اما با آنکه خود به آن نیازمند بودند، ولی آن را به مهاجران می‌بخشند که نشانگر اوج زهدگرایی و خداگرایی و آخرت‌گرایی آنان است؛ زیرا هم از جان مایه گذاشتند و هم از مال و ثروت دنیوی چشم پوشیدند و این زمانی اتفاق می‌افتد که شخص توانسته باشد دنیا و مواهب و زینت‌های آن را به کناری نهد و تنها خداوند را بچسبید.

تعبیر دیگری که قرآن برای بیان زهد به کار می‌برد تعبیر خواستن آخرت است. خواستن و اراده، امری قلبی است که به شکل عزم و جزم در جوارح و اعضا خودنمایی می‌کند. اراده کسی که به آخرت باشد چنین شخصی پارسا و زاهد است؛ زیرا میل و گرایش قلبی به دنیا ندارد و دنیا

معارف Maaref@Kayhan.ir



حقیقت زهد و دنیاگرایی از دیدگاه قرآن

محمداحسان آزادی

بیش درست در کنار ایمان واقعی و عمل صالح موجب می‌شود که آدمی به دنیا به عنوان زینت بی‌رغبت نشود و تنها برای رفع نیازهای روزانه و دستیابی به ابزارهای کمالی چون تن سالم و آسایش و آرامش از مواهب دنیوی بهره گیرد.

بیش درست در تعبیر ذات آدمی جز به بدی ندارد. دنیا‌طرای زینت‌های خاص خودش است و نمی‌تواند زینت آدمی باشد. بنابراین مال و ثروت و امور دیگر دنیوی چیزی نیست که بتواند زینت آدمی باشد بلکه زینت دنیاست و آدمی گمان می‌کند که با گردآوری و جمع آن توانسته است آن را زینت خود گرداند.

کسی که زینت‌های دنیا را زینت دنیا و نه انسان می‌شمارد به آنها دل‌بسته نمی‌شود و به سادگی از آن می‌گذرد و بلکه از افتادن در دام اینکده زینت‌انسان است نیز رهایی یافته و می‌گریزد. چنین شخصی هرگز نسبت به دنیا و زینت‌های آن تمایلی ندارد و میلی به آنها پیدا نمی‌کند.

حالی اگر زینت‌های دنیوی چون مال و ثروت امری نباشد که بتواند زینت آدمی شود آیا آدمی نباید از آنها استفاده کند؟

قرآن با تاکید بر بهره‌برداری از مواهب دنیا و نعمت‌های خدادادی حلال و طیب از بشر می‌خواهد که از آنها به درستی بهره گیرد؛ زیرا همه آنها را خداوند برای انسان آفریده تا آدمی با بهره‌مندی از آنها به کمال دست یابد. بنابراین آنچه نفی می‌شود دل‌بستگی و علاقه باطنی به دنیا و زینت‌های آن است ولی در همان حال از انسان‌ها خواسته شده تا از دنیا و مواهب طیب آن برای دستیابی به کمال بهره گیرند.

به قول شاعر:

زهد آن نیست که تو صاحب چیزی نشوی

زهد آن است که چیزی نشود صاحب تو
برای رسیدن به این مرحله و اینکه انسان در همان حال که نسبت به دنیا زاهد است از آن بهره‌مند شود خداوند در آیاتی چند به بیان شرایط و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای مناسب اشاره می‌کند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

اشاره

بنابراین چیزی در زندگی بشر نیست که نو یا کهنه باشد و اسلام به آن نپرداخته باشد؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید:﴿مَنْ تَزَوَّنَا عَلَيْنَا الْكَلْبُ نَبِيئَانَا لِكُلِّ شَيْءٍ آتٍ كِتَابٌ رَا كِهْ رُوَشْنَكِرْ هِرْ جِيزِيْ شَيْءٍ نَبْرُوَا نُوَلِيْ كِرْدِمِ.﴾(آیه ۵۹)

البته آنچه در قرآن بیان شده کلیاتی است که به عنوان اصول اساسی و کلمات جامع و قوانین اساسی می‌تواند با تققه و فهم دقیق و ژرف هر چیزی را به آن کلی و اصل بازگرداند و احکام مربوط به آن را استنباط و استخراج کرد. از این‌رو مسئله اجتهاد به عنوان حرکتی پویا برپا می‌گردد و روزآمدی اسلام تشریع شد محتجهد با «رد الفروع الی الاصل» (بازگرداندن فروعات به اصول و کلیات) و حکم هر موضوع و مسئله از او به دست آید. این امر موجب می‌شود تا ماهواره اسلام از ویژگی نوشوننگی و معاصر بودن برخوردار باشد و هرگز غبار کهنگی بر آن ننشیند؛ زیرا آنچه تغییر می‌یابد، ساختارهای اصلی نیست و ثابثات در زندگی بشر است که هیچ‌گونه تغییری نمی‌یابد، بلکه تغییرات در حوزه جزئیات و فروعات رخ می‌نماید. بنابراین، اصول و کلمات و قوانین جامع و کلی اسلام ناظر به ثابثات غیرمتغیری است که می‌توان با ارجاع متغیرات به این اصول ثابت، حکم و قانون اسلامی هر مسئله‌ای را به دست آورد.

یکی از موضوعات به ظاهر مهم و موضوع رسیانسه است ؛ در حالی که رسانه هر گز موضوع نوینی نبوده است، بلکه ابزارها و روش‌های به کارگیری در آن، فقط نوشونونده است و اصل آن یک امر کهن و از ثابثاتی است که از حضور بشر تا کنون وجود داشته و در آینده نیز ادامه خواهد یافت. به سخن دیگر، رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای از همان آغاز با بشر وجود داشته است؛ زیرا انسان در هستی تنها نبوده است. انسان می‌خواست به خدا و خالق خود ارتباط و اتصال داشته باشد و پیامی را بگیرد و با فردی بفرستد. وقتی هم دارای زوج و همسر شد این نیاز دو چندان و شدیدتر شد. در حقیقت رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای به عنوان یک پدیده اجتماعی خود را با حضور همسر به عنوان یک ضرورت و اضطرار بر بشر تحمیل کرد. انسان این پیام رسانی را از راه اشارات و الفاظ و نشانه‌ها و علائم و کتابت و نقوش و تصویر و سپس دیگر ابزارها و فن آوری‌های جدید و نوین ادامه داد تا به مرحله جدیدی وارد شد.

پس آنچه موجب شده که این موضوع از موضوعات نوین قلمداد شود، تغییر بسیار اساسی در روش‌ها و ابزارهای آن است که مسئولان نوین را از خود به هم‌راه دارد. با تبیین حقیقت رسانه می‌توان ایجاب و مسائل آن را از منظور اسلامی براساس ثابثات و جوامع الکلم حل و فصل نمود و قوانین هر مسئله‌ای را به دست آورد و تبیین کرد.

آنچه در طی چند شماره تقدیم می‌شود تلاشی است برای تبیین «فقه رسانه و بایدها و نبایدها و نشاید‌ها»یی که شریعت اسلامی به آن توجه داده است؛ زیرا رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای، فعلی از افعال مکلفین است که اسلام نسبت به آن، قوانین و احکامی دارد.

فقه رسانه، ناظر به احکام و قوانین حاکم بر فعالیت‌های رسانه‌ای از منظور اسلامی است. فقه رسانه در صدد تبیین قوانین و احکامی است که اسلام در قالب احکام خمسه وجوب، استحباب، حرمت، کراهت و اباحه برای فعالیت‌های رسانه‌ای بیان کرده است. اینک بخش اول این سلسله مطالب از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد. گفتنی است نویسنده این مقاله استاد درس خودراندن حوزه علمیه و از فعالین عرصه رسانه‌ای و بخصوص فضای مجازی می‌باشد.

چيستی رسانه

واژه رسانه در فارسی برابر واژه عربي «الإعلام» به کار می‌رود. رسانه همانند کارانه، یارانه، رایانه و مانند آن ترکیبی از دو بخش «رس» و «انه» است. «رس» از ریشه «رسیدن» است؛ وقتی ما از واژگان «رس و رسا» در سخن بحث می‌کنیم مراد ما سخن یا واژه و گزاره‌ای است که توسط را به مخاطب به درستی می‌رساند و پیامی را از گوینده و نویسنده به شنونده و خواننده منتقل می‌کند. پس هر گاه پیامی از فرستنده به گیرنده به درستی منتقل شود، چنین پیامی را «رسا» می‌گویند؛ مانند واژه‌های رسا و گزاره رسا. اما «انه» در فارسی به عنوان پسوند اسم ساز، قیدساز و صفت ساز، مانند رسانه، پیامبرانه و مردانه به کار می‌رود.

بر این اساس باید گفت رسانه، وسیله رساندن است؛ وقتی از رسانه‌های گروهی یا همگانی سخن به میان می‌آید مراد همان ابزارها و وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون و مطبوعات و اینترنت و مانند آنهاست. البته امروزه واژه و اصطلاح پیام‌های «چند رسانه ای» نیز متداول است می‌رود. پیام چند رسانه‌ای پیامی است که توسط ابزارهای پیام رسانی به عنوان پسوند اسم ساز، قیدساز و صفت ساز، مانند رسانه، پیامبرانه و مردانه به کار می‌رود.

واژه رسانه در فارسی در برابر واژه «مدیا» Media» لاتین به کار رفته است. «مدیوم» Medium) در انگلیسی، به معنای هر ابزاری برای برقراری

فقه رسانه؛ بایدها و نبایدها

* خلیل منصورى

وسيله‌ای برای ارضای نیاز سرگرمی عمل می‌کنند. باید توجه داشت که رسانه همیشه یک ابزار نیست گاه رسانه به قول مارشال مک لوهان ابزار و خود یک پیام است.

تأثیرات ابزارهای رسانه‌ها شامل دو دسته اساسی است.
۱. فرهنگ‌پذیری؛ فرهنگ پذیری عبارت است از فرایند القا و تقویت ارزش‌ها، باورها، سنت‌ها و معیارهای رفتاری و دین‌ن واقعیتی که توسط اعضای یک فرهنگ خاص پذیرفته شده‌است؛ ۲. یاد گیری. (نگاه کنید: کمپ، استوارت، روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، مؤسسه انتشارات به نشر، ۱۳۷۶)



در دیدگاه اسلام، یک رسانه کاردهایی باید داشته باشد که پیامبران ماموریتی داشته‌اند آن را انجام دهند. دست کم نقش

رسانه در تبلیغ و دعوت همان نقشی است که خداوند برای پیامبران در این حوزه در نظر گرفته است.

در رسانه با عناصر چندگانه‌ای مواجه هستیم: ۱. پیام؛ ۲. فرستنده پیام؛ ۳. گیرنده پیام؛ ۴. ابزار پیام. وقتی ما از رسانه سخن به میان می‌آوریم نمی‌توانیم فارغ از این عناصر چهارگانه باشیم؛ و وقتی از فقه رسانه سخن می‌گوئیم باید ناظر به همه اینها سخن بگوئیم و تنها به ابزار رسانه کاری نداریم. به سخن دیگر، «فقه رسانه» شامل همه فعالیت‌هایی می‌شود که در یک رسانه انجام می‌گیرد.» پس مسایل مربوط به هر یک از عناصر چهارگانه مسایل فقه رسانه خواهد بود.

چيستی فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است، به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است. راغب در مفردات، آن را بی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است. فقه در اصطلاح به عنوان علمی از علوم اسلامی به معنای علم استنباط احکام شرع از روی رأی و اجتهاد است.

البته کلمه فقه به تدریج، در اصطلاح علما، مخصوص فقها، فقط به «فقه الاحکام» اختصاص یافته است و امروزه از کلمه «فقه» فقط مسائل علمی اسلام از واجب و حرام و مانند آنها به نظر می‌آید. به عبارتی علمای اسلام با الهام از برخی روایات، تعالیم اسلامی را به سه بخش «عقاید»، «اخلاق»

وزن یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند و در آخرت هر مرد و زنی بسته به برخورداری از زینت‌های اخروی و فرامادی در مقام بهشت و درجات آن قرار می‌گیرند.

به هر حال بیشش و نگرش درست نسبت به خود و خدا و هستی موجب می‌شود تا آدمی دل‌بسته به دنیا نشود و بتواند نسبت به دنیا زهد ورزد و پارسایی پیشه کند. از این رو خداوند بیشش درست و ایمان واقعی را عامل اصلی زهد آدمی برشمرده است. (هود آیات ۴۵ و ۴۹ و نیز هود ۵۱ و شعراء آیات ۱۰۶ و ۱۰۹ و ۱۲۴ و ۱۲۷ و ۱۴۲ و ۱۴۵ و ۱۶۱ و ۱۶۴ و ۱۷۷ و ۱۸۰ و نیز قصص آیه ۷۹ و ۸۰ و سبا آیه ۴۷)

بیشش درست در کنار ایمان واقعی و عمل صالح موجب می‌شود که آدمسی به دنیا به عنوان زینت بی‌رغبت نشود و تنها برای رفع نیازهای روزانه و دستیابی به ابزارهای کمالی چون تن سالم و آسایش و آرامش از مواهب دنیوی بهره گیرد.

بسیاری از مردم به سبب آنکه در مفهوم زندگی دچار اشتباه می‌شوند میان زهد و استفاده از مواهب آن دچار خلط و گمراهی شده و راه افراط و تفریط را می‌پیمایند. تفکر درست درباره دنیا آن است که از مواهب و طبیات و حلال آن به درستی بهره برد و در کنار آن دل به دنیا و زینت‌های آن نبیست و به جای دل‌بستگی به دنیا و زینت‌های آن دل به آخرت و زینت‌های آن بست که همان علم و ایمان و تقوا و مانند آن است. بر این اساس زهد، گوشه‌گیری و بریدن از خلق و مظاهر دنیا نیست بلکه حقیقت زهد آن است که در عین بهره‌مندی از مواهب گسترده دنیوی، به آنها دل ننیدمید و علاقه و تعلق و دل‌بستگی نداشته باشیم. برخی از انسان‌ها به سبب اندیشه و بیشش نادرست نسبت به مدیریت خداوند در هستی و تدبیر امور، گرایش افراطی به دنیا پیدا می‌کنند اگر آدمی بیشش و تفکر درستی نسبت به تقدیر الهی و نوشته شدن هر چیزی براساس حکمت از پیش تعیین شده و مدیریت و پروردگار دارد خداوند داشته باشد نسبت به بررسی از برخورداری‌های مادی و ناکامی‌های آن واکنش‌های افراطی و شدید بروز نمی‌دهد و در مسیر کمالی و پارسایی حرکت می‌کند. خداوند

در آیه ۲۲ و ۲۳ سوره حدید تصحیح بیشش نسبت به تقدیر و ربوبیت الهی را عامل مهمی برای زهدورزی بشر می‌شمارد و خواهان تصحیح بیشش انسان نسبت به امور می‌شود. دل‌بستگی‌ها به دنیا و زینت‌های آن به سبب این است که آدمی تصور و تصویر درستی از وضعیت خود و نقش و جایگاه خداوند در هستی ندارد. بسیاری از کسانی که دارای زهد و پارسایی نیستند کسانی هستند که گرفتار خودپسندی شده و مال و ثروت را زینت خویش می‌شمارند نه زینت دنیا و به همین اساس بدان فخر می‌فروشند و بیماری خود برتربینی و تحمل‌گرایی و تفاخر و چشم و هم‌چشمی دچار می‌شوند. از این رو خداوند در آیه ۲۲ سوره حدید چنین تفکر و منشی را عامل دنیاگرایی بشر می‌شمارد که اجازه نمی‌دهد تا انسان پارسایی و تبیین انسان نسبت به امور می‌شود.

تصور و تصویر درستی از وضعیت خود و نقش و جایگاه خداوند در هستی ندارد. بسیاری از کسانی که دارای زهد و پارسایی نیستند کسانی هستند که گرفتار خودپسندی شده و مال و ثروت را زینت خویش می‌شمارند نه زینت دنیا و به همین اساس بدان فخر می‌فروشند و بیماری خود برتربینی و تحمل‌گرایی و تفاخر و چشم و هم‌چشمی دچار می‌شوند. از این رو خداوند در آیه ۲۲ سوره حدید چنین تفکر و منشی را عامل دنیاگرایی بشر می‌شمارد که اجازه نمی‌دهد تا انسان پارسایی

تفکر درست درباره دنیا آن است که از مواهب و طبیات و حلال آن به درستی بهره برد و در کنار آن دل به دنیا و زینت‌های آن نبیست و به جای دل‌بستگی به دنیا و زینت‌های آن دل به آخرت و زینت‌های آن بست که همان علم و ایمان و تقوا و مانند آن است.

بیشش و نگرش نادرست انسان می‌شود و با تصحیح آن می‌توان امید داشت که انسان‌ها به جای آنکه دل به زینت‌های دنیوی ببندند به زینت‌های واقعی جان توجه و اهتمام ورزند و نسبت به زینت‌های دنیوی بی‌رغبت شوند و در همان حال از همه مواهب دنیوی در راستای کمال‌یابی بهره گیرند.

انسان، فلسفه رسالت ، معاد و رستاخیز، حساب و کتاب دنیوی و اخروی و مانند آنها را تبیین کند.

بر این اساس، رسانه به معنای عام آن، یعنی پیام و ابزارها و اهداف پیام رسانی نیز به عنوان بخشی از این فقه اکبر مطرح است. در این فقه‌اکبر، سعی می‌شود تا فلسفه رسانه، اهداف، حکمت‌ها ، اهمیت و آثار آن تبیین شود. اگر فلسفه ندانیم و اهداف آن را در چند حوزه زیر دسته بندی کنیم، بی‌گمان رسانه به عنوان یک موضوع و مسئله از دین جایگاه خودش را نشان می‌دهد. حوزه‌های فلسفه دین را می‌توان موارد زیر دانست:
۱- **حوزه انسانی** : الفد: حوزه فردی ؛ تعلیم و تربیت، تزکیه، عبودیت و بندگی، کسب تقوا و یقین، رسیدن به مقام خلافت الهلی(نگاه کنید: بقره ، آیه ۱۲۹، ذاریات، آیه ۱۵۶، بقره، آیه ۱۲۸، آل عمران، آیه ۷۹)؛ ب: حوزه اجتماعی؛ عدالت اجتماعی فراگیر و همه جانبه ،عدالت، مطالبه‌گری حقوق و امکانات و نعمت‌های الهی و قیام برای کسب آن(حدید:آیه ۲۵)؛
۲- **حوزه فرزا انسانی**: تصرف در جهان و آبادانی زمین به عنوان خلیفه الهی(هود، آیه ۶۱)

بر این اساس هدف و فلسفه رسانه را از منظر فقه اکبر می‌توان موارد زیر بر شمرد:تعلیم و تزکیه ، عدالت گستری، عدالت خواهی، بیان اهداف و فلسفه آفرینش انسان و جهت بخشی به حرکت‌های انسانی در مسیر عبودیت، قانون شناسی و قانون گرایی، شناخت حقوق فردی و اجتماعی

در رسانه با عناصر چندگانه‌ای مواجه هستیم: ۱. پیام؛ ۲. فرستنده پیام؛ ۳. گیرنده پیام؛ ۴. ابزار پیام. وقتی ما از رسانه سخن

به میان می‌آوریم نمی‌توانیم فارغ از این عناصر چهار گانه باشیم؛ و وقتی از فقه رسانه سخن می‌گوئیم باید ناظر به همه اینها سخن بگوئیم و تنها به ابزار رسانه کاری نداریم. به سخن دیگر، «فقه رسانه» شامل همه فعالیت‌هایی می‌شود که در یک رسانه انجام می‌گیرد.» پس مسایل مربوط به هر یک از عناصر چهارگانه مسایل فقه رسانه خواهد بود.

فقیه در لغت به معنای دانشمند و فرد دانا است و در اصطلاح به کسانی که احکام شریعت را توسط رأی و اجتهاد خویش به واسطه قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع بدست می‌آورند گفته می‌شود. (لغت‌نامه دهخدا، ج۳، ص ۲۷، ۲۹۴)

فقه اکبر و فقه اصغر

بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی باید از دو نوع فقه سخن گفت: ۱. فقه اکبر ؛ ۲. فقه اصغر.

فقه اکبر یا فقه در اصطلاح عام: منظور از ایسن فقه ، همه معارف اعتقادی و اخلاقی و احکام کلی و فروع عملی است که از طرف خداوند نازل شده است.

فقه اصغر یا فقه در اصطلاح خاص: منظور از آن احکام شرعی و فرعی عملی است که عبادات، معاملات، مسایل حقوقی، کیفری، تجاری و غیره را شامل می‌شود و امروزه بخشی از آن در رساله‌های عملی به صورت فتوا دیده می‌شود. از این فقه به عنوان علم فقه نیز یاد می‌شود که خود یک علم جداگانه‌ای است. در تعریف علم فقه خاص گفته اند: الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفسیویه، فقه، علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی است.

منابع و مبانی فقه و اجتهاد

منابع استخراج احکام شریعت، مطابق مذهب شیعه امامیه به چهار اصل (کتاب، سنت، اجماع و عقل) منحصر است اما بیشتر احکام دینی در کتاب و سنت است که به منزله قانون اساسی و آئین‌نامه اجرائی آن می‌باشد به طور مستقیم و غیرمستقیم بیان شده است. مراجع و فقیهان شیعه که توانایی استخراج احکام از مدارک نامبرده را دارند به منظور تبیین و رفع مسئولیت از خود و دیگران بدان اشتغال می‌ورزند و در این باب کوشش می‌کنند، که از این عمل در عرف متشرعه، اجتهاد و در اصطلاح قرآنی به تفق تعبیر می‌شود و لزوم آن هم تأکید شده است. (بختی درباره مرجعیت و روحانیت، جمعی از علما، معاصر اعلامه طباطبائی، موسوی مجتهد زنجانی، مطهری، طالقانی، بهشتی و دیگران، ص ۲۶).

جایگاه رسانه در فقه اکبر و اصغر

چنانکه گفته شد، فقه اکبر، ناظر به همه دین اسلام بحث می‌کند و در صدد آن است تا تگرش انسان را به هر موضوعی از هستی شناسی، جهان‌بینی، خدا، فرشتگان، رسالت و پیامبری، پیامبران، فلسفه آفرینش